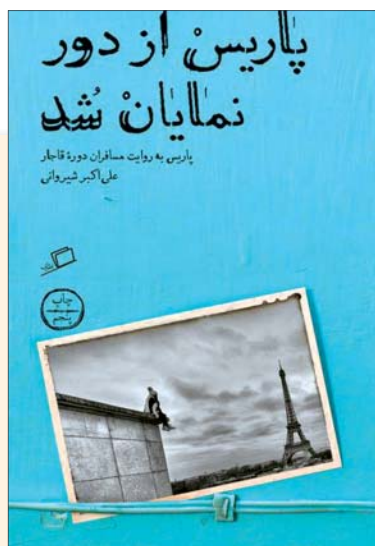


روایت‌هایی از گشت و گذار سیاحان قجری در قلب فرانسه

حیرت‌نامه مسافران قاجاری پاریس!



احسان سالمی

روزنامه‌نگار

چند هفته پیش بود که آتش‌سوزی در کلیسای نوتردام پاریس، بسیاری از نگاه‌ها را به سوی این شهر جلب کرد؛ شهری که زمانی قلب اتفاقات مهم اروپا بود و حالا هم البته هنوز در شمار شهرهای

اطلاعات فوری

عنوان: پاریس از دور نمایان شد
زیر عنوان: پاریس به روایت مسافران دوره قاجار
نویسنده: علی اکبر شیروانی
ناشر: نشر اطراف
تعداد صفحات: ۲۲۷
قیمت: ۱۹ هزار تومان
پیش‌بینی زمان مطالعه: ۵ تا ۷ روز

پاریس شده‌اند؛ مسافرانی که عموماً وابسته به دربار قاجار بودند و تحریر آنها بیشتر به واسطه دیدن شکوه ساختمان‌ها و مقررات و نظم حاکم بر شهر بوده است. متن کتاب برای آنها که به ادبیات معاصر به‌ویژه ادبیات مرسوم در دوره قاجاریه علاقه‌مند هستند، حاوی گنجینه‌ای از لغات و عبارات مصطلح در آن دوره است؛ البته ممکن است برای برخی از مخاطبان در نگاه اول کمی سخت به نظر برسد؛ اما بدون شک خواندن آن نه فقط از باب آشنایی با فرهنگ و ویژگی‌های خاص شهر پاریس بلکه برای گسترده‌تر شدن دایره لغات خوانندگان مفید خواهد بود. به این موارد باید قطع مناسب کتاب که خواندن آن را برای مخاطبان راحت‌تر می‌کند را هم اضافه کنید.

مهم قاره سبز قرار می‌گیرد؛ از تاجگذاری ناپلئون در کلیسای معروف نوتردام در دو قرن پیش گرفته تا امروز که برخی از مهم‌ترین خیابان‌های پاریس درگیر اعتراضات جلیقه‌زدها به نابرابری‌های گسترده اقتصادی در کشور فرانسه است؛ پاریس همیشه سهم مهمی از خبرهای پیرامون ما داشته است. شاید به همین خاطر بوده که بسیاری از مسافران ایرانی دوره قاجار، این شهر را به عنوان یکی از مقصدهای سفر خود انتخاب می‌کردند؛ سفرهایی که علی‌اکبر شیروانی روایت آنها را در قالب کتابی با عنوان «پاریس از دور نمایان شد» گردآوری کرده است. این مجموعه پر است از توصیفات دقیق و البته تاحدودی متحیرانه مسافرانی که در دوره قاجار راهی

ناصرالدین شاه و يك تجربه عجيب در پاریس

پانوراما یعنی دورنما



از هر طرف نگاه می‌کند شهر پاریس و قلعه‌جات اطراف شهر و توپ و گلوله و هنگامه جنگ و محاصره و به هوا رفتن و ترکیدن گلوله توپ و نارنجک به نظر می‌آمد. خلاصه شخص تا به چشم خود نبیند نمی‌داند چگونه است که پرده مصنوعی و امر معدوم را با حالت حقیقی و شبی موجود نمی‌توان فرق گذاشت.

ناصرالدین شاه دو بار به پاریس سفر کرد که اولی سال ۱۲۵۲ شمسی و دومی سال ۱۲۵۷ شمسی بود. او هم در یادداشت‌هایی که درباره دو سفرش به پاریس نوشته، از دیدنی‌های این سفر به موارد جالبی اشاره کرده است: «روزی رفتم به جایی که پانوراما می‌گویند. یعنی دورنما. این یک علم و صنعتی بسیار عجیب است و مخترع آن ینگه دنیایی است. رسیدیم به جایی که عمارت مدوری به نظر آمد. در کوچکی داشت. داخل شده، اول رسیدیم به دورنمایی که کوچه‌ای از کوچه‌های پاریس را می‌نماید. هر قدر شخصی به نظر دقت بیشتر نگاه می‌کرد این حالات مجسم‌تر می‌شد به طوری که نمی‌شد تشخیص داد که این پرده صورت و نقاشی است یا حالت حقیقی و همان زمان گیرودار است. بعد از آنجا پله می‌خورد و می‌رود بالا. آنجا یک محوطه گردی‌ست که شخص



گردش در باغ ژاردن دوپاری

مرد باید غیرت داشته باشد!



روایت علی‌خان ظهیرالدوله، سیاستمدار دوره قاجار اولین بخش کتاب «پاریس از دور نمایان شد» است؛ روایتی که هر چند همچون اغلب روایت‌های کتاب در خود دارای نوعی خودباختگی در برابر مظاهر تمدنی پاریس است؛ ولی نگاه دقیق نویسنده به‌ویژه به تفاوت‌های فرهنگی ایران و فرانسه آن را به یک روایت خواندنی تبدیل کرده است: «آمدیم به ژاردن دوپاری که از باغ‌های مزین پاریس است. حق‌الورود داده، وارد شدیم. تمام در و دیوار این باغ، چراغ برق و به درخت‌ها فانوس‌های رنگارنگ به اشکال خیلی قشنگ آویخته بودند و مردم با یک آزادی بی‌اندازه و بی‌پردگی فوق‌العاده‌ای که به اعتقاد فقیر کمال وحشیگری‌ست. واقعا مورد تعجب است که اهل فرنگستان به‌خصوص پاریس با این همه لافی که در علم و تربیت می‌زنند و الحق دارا هم هستند، چرا در فقره شهوت‌پرستی و بی‌عصمتی که عقلا تجزّی در این دو صفت مردود و ضدعلم و تربیت است، این طور بی‌غیرت و لابلایی هستند. مثلاً اگر به یک نفر فرنگی بگویند از اینجا پاشو آنجا بنشین دُول خبر می‌کند که من هنر و غیرتم نمی‌تواند این حرف سخت را قبول کند ولی هر چه زش بیشتر فاسق داشته باشد، خوشحال‌تر است. جانم غیرت. واقعا مرد باید غیرت داشته باشد.»

تماشای تلمبه‌چیان و عملجات اطفای حریق

آتش‌نشان‌های فرانسوی عهد قجر

مظفرالدین شاه هم تجربه سفر به پاریس را داشته که البته توصیفات او همچون اغلب مسافران قاجاری دارای نوعی خودباختگی است: «امروز صبح رفتم به جهت تماشای تلمبه‌چیان و عملجاتی که جهت اطفای حریق حاضرند. این عمارت سه طبقه است. یک طبقه طولیه و کالسکه‌خانه است و دو طبقه بالا منزل عملجات است. از چیزهای غریب این است که از زیر عمارت به بالا یک میله آهنی است که از طبقه‌های بالا به پایین متصل است. تا ما به آنجا رسیدیم فوراً میل را تکان دادند، دیدیم یک نفر افتاد پایین. بعد یکی دیگر و ایضا یکی دیگر پشت سر هم از میل پایین آمدند که در یک دقیقه و نیم، ۳۰-۴۰ نفر از عملجات پایین آمدند و اتومبیل‌ها راه افتاد. هر اتومبیلی دارای تلمبه است که با قوت بخار هم آب را خارج می‌کند و هم خودش راه می‌رود و عقب آن اتومبیل دیگری است که توی آن آب زیاد است. گاری‌های زیاد هم حاضر است که با اسب حرکت می‌کند و عملجات چنان به سرعت و عجله حاضر و دست به کار می‌شوند که هر جا حریق روی دهد فوراً خاموش می‌کنند.»